

بررسی جنگ‌های

صدر اسلام

(زمان پیامبر (ص))

کاظم سعیدپور



انتشارات فقه

نام کتاب: بررسی جنگ‌های صدر اسلام (زمان پیامبر(ص))

تألیف: کاظم سعیدپور

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۸۶

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۴۰۰۰ ریال

شابک: X-۱۶۳-۴۹۹-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978 - 964 - 499 - 163 - X

ص.چ. ۳۶۶۲ - ۳۷۱۸۵ - تلفن: ۷۷۳۴۸۷۳ - ۲۵۱ - ۹۸+

فهرست مطالب

صفحه	موضوع
۷.....	مقدمه
۱۶.....	جنگ ابواء (وذان)
۱۸.....	جنگ بواط
۲۰.....	جنگ بدر اولی (سفوان)
۲۱.....	جنگ ذی العُشیره
۲۳.....	جنگ بدر
۳۳.....	جنگ بنی قینقاع
۳۸.....	جنگ سویق
۴۱.....	جنگ قراره الکدر
۴۳.....	غزوة غطفان در ذی امر
۴۶.....	جنگ بنی سلیم (بحران)
۴۸.....	جنگ احد
۵۵.....	جنگ حمراء الاسد

موضوع	صفحه
جنگ بنی‌نضیر	۵۹
جنگ بدر سوم (بدرالموعد)	۶۶
جنگ ذات‌الرقاع	۶۹
جنگ دومه‌الجندل	۷۱
جنگ بنی‌المصطلق (مریسیع)	۷۳
جنگ خندق	۷۶
جنگ بنی‌قریظه	۸۵
جنگ بنی‌لحيان	۹۰
جنگ ذی‌قرد (غایه)	۹۳
صلح حدیبیه	۹۶
جنگ خیبر	۱۰۲
جنگ عمره القضاء (قضیه)	۱۰۹
جنگ موته	۱۱۴
جنگ ذات‌السلاسل	۱۱۸
فتح مکه	۱۲۱
جنگ حنین	۱۲۹
غزوه طائف	۱۳۳
جنگ تبوک	۱۳۶
فهرست منابع	۱۳۹

به نام خدا

مقدمه

یکی از مواردی که مورد سوء استفاده مغرضین و دشمنان اسلام قرار گرفته است، جنگهای صدر اسلام در زمان پیامبر ﷺ می باشد، که با تحلیل های خود ساخته سعی بر آن داشته اند که اسلام را دین خشونت و ضد صلح معرفی نمایند و بدین وسیله چهره مخدوش و تصویری تاریک از اسلام ارائه و باعث آن شوند که از گرایش به اسلام و پذیرش آن ممانعت نمایند. زیرا اسلام دین مطابق با فطرت بشری و دل پذیر است. و اگر آدمی به سرچشمه زلال و صاف آن ره یابد. با میل و رغبت از آن آب حیات می نوشد، ولی تلاش بر آن است که سرچشمه را گل آلود بنمایانند، تا از مراجعه به آن جلوگیری شود.

از آنجا که عموم منابع نقل جنگ های صدر اسلام به زبان عربی است و یا کتبی هم که ترجمه شده اند. به این موضوع بطور منظم و منسجم نپرداخته اند و این نگارنده کتابی که بررسی جنگها و ریشه و علت وقوع آن را مورد مذاقه قرار داده باشد نیافتم. و از طرفی در مجامع علمی و دانشگاهی نیز یکی از سئوالات مستمر دانشجویان در خصوص علت وقوع

جنگ‌های صدر اسلام با دید انتقادی است و نشان از اثر گزاری تبلیغات غیر مطابق با واقع و هدفمند دشمنان اسلام در سرزمین افکار این عزیزان و عدم دسترسی سهل و آسان آنها به منبع خاص جهت رفع این شبه دارد. ما را بر آن داشت بر این امر همت گماریم، تا به یاری خداوند و تحت عنایات و الطاف رحمه للعالمین و اسوه اولین و آخرین، پیامبر اسلام حضرت محمد ﷺ این موضوع را در مجموعه اوراق به هم پیوند دهیم و به محضر ایشان تقدیم کنیم.

در روش بررسی موضوع به لحاظ اینکه از منابع قابل قبول و استناد، به نزدیک‌ترین زمان وقوع جنگ‌ها استفاده کرده باشیم و دیگر مورخین اغلب جهت نقل به آن استناد نموده باشند، بیشتر به سیره ابن اسحاق که بعد از او ابن هشام آن را مدون کرد و مغازی واقعی توجه نموده‌ایم، چرا که:

محمد بن اسحاق در سال ۸۵ هجری در شهر مدینه به دنیا آمد و در سال ۱۵۰ هجری در بغداد از دنیا رفت و تمام راویانی که ابن اسحاق در کتاب خود از آنها حدیث نقل کرده اهل مدینه و یا از اهل مصر هستند و سعی کرده بی‌طرفی را مراعات و از اعمال تعصبات مذهبی احتراز داشته باشد و پس از تدوین سیره مورد توجه دانشمندان زیادی قرار گرفت و جمع بسیاری او را ستوده‌اند.

از لحاظ قدمت در تدوین سیره اگر چه عروه بن زبیر بن عوام را در مغازی نخستین کسی که کتاب تألیف کرده است می‌دانند اما در اینکه او اطلاعات خود را تحریر نموده باشد دقیقاً معلوم نیست. لذا قدیمی‌ترین سیره را باید سیره ابن اسحاق دانست.^۱

مغازی واقدی، با توجه به تاریخ مرگ واقدی که در سال ۲۰۷ هجری قمری رخ داده است کتابش از قدیمی‌ترین کتاب‌ها در رشته خود است که به طور مفصل تدوین و از دست برد حوادث محفوظ مانده و از جهت کمیت ثبت وقایع جنگ حجیم‌ترین کتاب است که علت عمده آن این است که واقدی تلاش نموده نکات دقیق و ریزه‌کاری‌هایی را ضبط کند که دیگران چندان توجهی به آن نداشته‌اند.

اهمیت مقام علمی و فضل واقدی چنان است که مؤلفان و نویسندگان مهم و مشهور و بزرگان سیره نویس به آثار او اعتماد و استناد نموده‌اند و مطالب نقل شده از دیگران را با مطالب واقدی معیار و محک زده‌اند از جمله بلاذری مورخ و جغرافیادان قرن سوم، ابواسحاق ابراهیم ثقفی کوفی، مسعودی مورخ و جغرافیادان مشهور قرن چهارم، طبری، ابن اثیر، ابو الفداء نویری و ابن الحدید و ...

ابن ندیم در الفهرست می‌نویسد: علما گفته‌اند تسلط واقدی در اخبار مربوط به حجاز و سیره از همه بیشتر است و ابن خلدون او را از پیشروان تنظیم اخبار بر می‌شمرد.

آراء و اخبار واقدی درباره جنگ‌های رسول اکرم صلی الله علیه و آله مورد استناد هر دو گروه شیعه و سنی قرار گرفته است.^۱

بدون تردید هیچ کتابی در سیره و مغازی به اهمیت مغازی ابن اسحاق و مغازی واقدی نیست.

با عنایت به جایگاه این دو کتاب ما را از مراجعه به دیگر کتب بی‌نیاز می‌نمود، اگر چه ابعاد دیگری را در کتاب‌های دیگران می‌توان جستجو نمود و رجوع به کتابهایی همچون تاریخ طبری، تاریخ یعقوبی، کامل ابن

اثیر، طبقات ابن سعد و ... به روشن تر شدن موضوع و میزان اعتماد دیگران به این دو کتاب را مشخص می نماید.

جنگ‌هایی که با سرپرستی و حضور پیامبر ﷺ بوده است غزوه و بقیه سریه نامیده می شود.

در این کتاب به واسطه اهمیت و نقشی که غزوات پیامبر ﷺ داشته است فقط به آنها پرداخته شده و انشاء الله سریه ها نیز در جای خود مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

جنگ‌هایی که پیامبر ﷺ در آنها شرکت داشته‌اند، بیست و هفت جنگ است که عبارتند از: ابواء (ودان)، بواط، بدراولی (سفوان)، ذی العشیره، بدر، سویق، قراره الکدر، غطفان، (ذی امر)، بنی سلیم (بحران)، احد، حمراء الاسد، بنی نضیر، بدر الموعده، ذات الرقاع، دومه الجندل، بنی المصطلق (مرسیع)، خندق، بنی قریظه، بنی لحيان، ذی قردد (غابه)، حدیبیه، خیبر، عمده القضاء (قضیه)، فتح مکه، حنین، طائف و تبوک که با اضافه کردن بنی قینقاع عدد آنها به بیست و هشت خواهد رسید.

علیرغم اینکه پیامبر ﷺ در دو جنگ موته و ذات السلاسل حضور نداشته‌اند و نباید عنوان غزوه بر آن نهاد، ولی مورخین آنها را جزو غزوات نقل نموده‌اند ما نیز به بررسی آن پرداخته ایم.

با یک نگاه اجمالی علت و عوامل وقوع جنگ‌های صدر اسلام را می‌توان به موارد ذیل تقسیم نمود:

جنگ‌هایی که ابتدا از طرف دشمن، مسلمین و مرزهای اسلام مورد تعرض واقع شده‌اند مانند: جنگ‌های بدر اولی، سویق، احد، حمراء الاسد، بدر الموعده، خندق و تبوک.

جنگ‌هایی که دشمنان تجمع نموده و ساز و کار جنگ را فراهم و درصدد حمله به کیان اسلامی بوده‌اند و پیامبر ﷺ با آنها مقابله نموده است. مانند: جنگ‌های قراره الکدر، غطفان، بنی سلیم، ذات الرقاع، دومه الجندل، بنی المصطلق، بنی لحيان، ذی قرد، حنین و طائف

جنگ‌هایی که علت وقوع آن پیمان شکنی و تحریک و تجهیز دشمنان اسلام علیه مسلمانان بوده و این در حالی است که پیامبر ﷺ با آنها پیمان عدم تعرض و صلح نامه منعقد نموده بود که عبارتند از: بنی قینقاع، بنی نضیر، بنی قریظه، خیبر و فتح مکه.

بعضی از حوادثی که ماهیت جنگی ندارند و فقط جهت انجام اعمال عبادی حج بوده است از آن به عنوان جنگ یاد نموده‌اند مانند: صلح حدیبیه و عمره القضاء.

چهار جنگ ابواء، بواط، ذی العشیره، و بدر با قریش بوده است که دشمنی و مظالم آنها نسبت به مسلمین و اقدامات عملی آنها علیه پیامبر ﷺ بی نیاز از توضیح است.

اگر چه وقتی سخن از جنگ می‌شود، آنچه تبادر به ذهن می‌نماید و تصور عامه مردم از آن است حکایت از برخورد نظامی خشن و بی رحمانه، همراه با نزاع و درگیری خونین در میادین رزم می‌باشد. اما از بین بیست و هشت جنگی که بر شمرده شده، در هجده جنگ برخوردی بین دو سپاه رخ نداده و با یکدیگر روبرو نشده‌اند و این بدان علت است که تدابیر پیشگیرانه پیامبر ﷺ از وقوع جنگ جلوگیری نموده و اقدامات و حرکت‌های پیامبر ﷺ باعث گردیده که کانون توطئه‌ها بر چیده شود و اجتماع آنان به هم بخورد و افراد متفرق شوند و زمینه جنگ و نزاع بر چیده شود.

بنابراین در صحنه عمل جنگی رخ نداده است که بشود اسم آن را جنگ بنامیم ولی مورخین نام جنگ بر آن نهاده و دیگران آن را تکرار و غیر مطلعین از متن تاریخی آن را در شمار جنگ‌ها دانسته‌اند.

جنگ‌های فوق عبارتند از : ابواء ، بواط ، بدر اولی ، ذی العشیره ، سوبق ، قراره الکدر ، غطفان ، بنی سلیم ، حمراء الاسد ، بدر الموعد ، ذات الرقاع ، دومه الجندل ، بنی لحيان ، غابه ، حدیبیه ، عمره القضاء ، فتح مکه و بتوک و در دو جنگ بنی قینقاع و بنی نضیر با محاصره قلعه آن‌ها موضوع بدون درگیری خاتمه می‌یابد.

این نکته نیز در سیره عملی پیامبر ﷺ قابل توجه است ، ایشان در هر وضعیتی که قرار داشت ، اگر زمینه صلح و دوستی را مشاهده می‌کرد ، به خوبی از آن استقبال و سعی در همیشگی و جاودانه کردن صلح می‌نمود که نمونه‌های مکرر و بارز آن را در زندگی ایشان به خوبی مشهود می‌باشد. در اولین غزوه که جنگ ابواء می‌باشد ، پس از اینکه از مدینه حرکت نمودند و برخوردی نیز با دشمنان اسلام به وجود نمی‌آید ، در مراجعت با بنی ضمیره که مشرک و بت پرست بودند پیمان عدم تعرض متقابل و صلح و دوستی منعقد می‌کند. یعنی نخستین غزوه او به نخستین صلح منجر می‌گردد.

در جنگ ذی العشیره که با دشمن نیز برخوردی صورت نگرفت با قبیله بنی مدلج معاهده دوستی و صلح می‌بندد.

در جنگ دومه الجندل که در این غزوه نیز پیامبر ﷺ بدون اینکه با دشمن روبرو شوند به مدینه بازگشت با شخصی از قبیله «فزار» قرارداد تنظیم می‌نماید.

در جنگ خیبر پس از آنکه مسلمین بر یهودیان خیبر غلبه کردند و در اقتدار و تسلط کامل قرار داشتند یهودیان خیبر خواستار صلح شدند پیامبر ﷺ پذیرفت و در تقاضای بعدی خود که خواستند بر اداره نخلستان‌های خیبر گمارده شوند، حضرت پذیرفت و وقتی یهودیان خیبر از رفتار بعضی از مسلمانان به پیامبر ﷺ شکوه می‌کنند، رسول خدا ﷺ با فراخوان عمومی مسلمانان به آنان اعلام می‌کند که خون و اموال و اراضی یهودیان طرف قرارداد خیبر محترم است و کسی حق تعرض به آنها را ندارد.

در جنگ تبوک که پیامبر ﷺ برای مقابله با تهاجم روم شرقی راهی آن منطقه شد، ولی در این غزوه نیز با سپاه رومیان روبرو نشدند و نزاعی رخ نداد در همان منطقه با اهالی تبوک، مسیحیان ایله، یهودیان اذرخ و جرباء یهودیان مقنا، مسیحیان دومه الجندل و یهودیان تیما صلح نامه نوشت و طرفین آن را امضاء نمودند.

در این صورت وقتی به صلح نامه‌های فوق توجه شود و صلح‌های پیامبر ﷺ با قبائل دیگر همچون یهود فدک، مسیحیان نجران، زرتشتیان بحرین، هجر و عمان و صلح حدیبیه با مشرکین قریش و صلح با یهودیان مدینه یعنی یهود قیتقاع، یهود بنی النضیر و یهود بنی قریظه و پیمان با قبیله خزاعه و... را مورد نظر قرار دهیم این موضوع را به خوبی روشن می‌نماید که از طرف پیامبر ﷺ ابتدا تعرضی نسبت به دیگران صورت نمی‌گرفت و تا زمانی که تعرضی علیه مسلمین انجام نمی‌شد، همواره صلح و دوستی در نظر پیامبر ﷺ بر جنگ و دشمنی مقدم بوده است ولی زمانی که کیان مسلمین و اساس اسلام مورد هجوم و تعرض قرار می‌گرفت، پیامبر ﷺ در مقام دفاع بر می‌آمد و برای جلوگیری از وقوع جنگ تدابیر پیشگیرانه‌ای انجام می‌داد که زمینه جنگ را از بین می‌برد.

در پایان بیان این مورد ضروری است که روش ما جهت پرداختن به جنگ‌ها هم براساس رعایت اصل اختصار و هم با این دیدگاه بوده است که به قسمت‌هایی از تاریخ توجه شود که در بررسی و کشف و فهم علل و نوع جنگ قابل استفاده و بهره‌برداری باشد علیرغم اینکه هر جنگی مورد بررسی تاریخی قرار گیرد نکات متعدد دیگری هم قابل استفاده است که تمعناً به آنها نپرداختیم.

در خاتمه از معایب و کاستی‌هایی که در هر نوشتاری خصوصاً از همچون این نگارنده می‌تواند وجود داشته باشد پوزش و معذرت می‌خواهم و امید است با تذکر و ارشاد شما عزیزان و سروران در رفع آن برآیم که راهنمایی شما بهتر هدیه برای این حقیر می‌باشد.

از دوستان و نزدیکان که مرا در به پایان رساندن این کتاب مدد رساندند تقدیر و تشکر می‌نمایم و این تحفه نا قابل را محضر پیامبر اسلام ﷺ تقدیم می‌نمایم، که خدای متعال در قرآن در باره اش فرموده است: ﴿إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾^۱. و به این واسطه است که: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾^۲. چرا که: ﴿وَمَا يَنْطَلِقُ عَنِ الْهَوَىٰ﴾^۳. پس ﴿مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾^۴. زیرا وظیفه پیامبر ﴿يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾^۵. و بدین سبب بشریت هر چه از معنویت و انسانیت و تعلیم و تربیت صحیح دارد چه بخواهد و چه نخواهد، چه بداند و

۱ - قلم/ ۴.

۲ - احزاب/ ۲۱.

۳ - نجم/ ۲.

۴ - حشر/ ۷.

۵ - جمعه/ ۲.

نداند وام دار و مدیون زحمات اوست. باشد که مورد قبول حضرت دوست افتد.

کاظم سعید پور

تابستان ۱۳۸۵

www.ketab.ir